



علی سائگان/ایمان

# کنکور دخترانه ماند

از میان یک میلیون و ۱۱۱ هزار و ۸۱۸ داوطلب کنکور امسال، ۸۲۸ هزار و ۵۵۲ نفر از داوطلبان را دختران و تنها ۵۳۹ هزار و ۳۷۹ نفر را پسران تشکیل داده بودند تا کنکور ۱۴۰۰ به طور رسمی دخترانه شود!



آمارها نشان می‌دهد کنکور امسال هم دخترانه ماند. این موضوع هم فرصت‌های زیادی را فراهم کرده است و هم می‌تواند آسیب‌های زیادی را به جامعه ایرانی تحمیل کند

یک سال اخیر خواب و خوراک نداشت. همه زندگی‌اش شده بود کتاب و تست و کلاس‌های حضوری و آنلاین. عزمش را جزم کرده بود هر طور شده در رشته و دانشگاهی معتبر قبول شود و تمام رؤیاهایش در کنکور و دانشگاه رفتن و دانشجو شدن خلاصه شده بود. درست به دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی از دست داده‌اند و ترجیح می‌دهند کنکور و ورود به دانشگاه و تحصیلات عالی بودند. در عوض برادرش که دومین سال متوالی بود که کنکور می‌داد و قبول نمی‌شد اما تنها چیزی که برایش اهمیت نداشت قبولی در دانشگاه و گرفتن مدرک بود. در عوض ترجیح می‌داد زودتر برای خودش کسب‌و کاری و

چند سالی می‌شود توازن جنسیتی در بین داوطلبان و به تبع آن پذیرفته‌شدگان در کنکور ورودی دانشگاه‌های کشور تغییر کرده است. در حالی که به نظر می‌رسد پسران در سال‌های اخیر اقبالشان را به دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی از دست داده‌اند و ترجیح می‌دهند به جای چند سال حضور در دانشگاه و درس خواندن و گرفتن مدرکی که دست آخر هم برای شاغل شدن به کارشان نمی‌آید، به همان مدرک دیپلم اکتفا کنند و هر چه سریع‌تر وارد بازار کار شوند. حالا دیگر برای اغلب آنها مجرد شده مدرک دانشگاهی چندان به کار اشتغال نمی‌آید و خیلی وقت‌ها بعد از گرفتن مدرک مهندسی و کارشناسی در نهایت باید به شاگردی دکان پدر یا حجره دایی و کارگاه عمومی‌تر و در سنین بیست و چند سالگی از صفر شروع کنند. تفاوت بسیاری از آنان ترجیح می‌دهند چند سالی که می‌خواهند درس بخوانند را صرف تجربه در زمینه کسب و کار کنند. آموزش عالی و حضور در دانشگاه اما همچنان برای دختران جذاب مانده و با عقب‌نشینی پسران از تحصیل در دانشگاه، دختران جای آنها را پر کرده‌اند. تفاوت آماری بین شرکت‌کنندگان مرد و زن در کنکور هر سال از سال قبل هم‌تراز می‌شود و امسال تنها ۴۰ درصد از شرکت‌کنندگان کنکور سراسری پسر و بیش از ۶۰ درصد آنها دختر هستند.

**۷۵ به ۲۵ سهم دختران نسبت به پسران در کنکور**  
ماراتن نفس‌گیر کنکور ۱۴۰۰ هم تمام شد. هر چند با گسترش کمی دانشگاه‌ها و بدون کنکور بودن درصد قابل توجهی از رشته‌ها کنکور حال و هوای سال‌های نه چندان دور را ندارد اما هنوز هم برخی رشته‌ها و دانشگاه‌ها به خصوص رشته‌هایی همچون پزشکی و گروه آزمایشی

یک زندگی آبرومندانه راه بیندازد. این نگاهی بود که به گفته برادرش خیلی از دوستان و هم‌کلاسی‌های او هم دنبال می‌کردند. در بین پسر خاله و پسر عموها هم یکی دو تایی دنبال درس خواندن و مدرک دانشگاهی بودند و بقیه با همان دیپلم وارد بازار کار شده بودند اما او همچنان بعد از کنکور در حال سبک و سنگین کردن کلید سؤالات و محاسبه سرانگشتی رتبه و شانس قبولی‌اش در دانشگاه بود. درست مانند ۸۲۸ هزار و ۵۵۲ دختری که با شرکت در ماراتن کنکور برای ورود به دانشگاه با یکدیگر رقابت کردند. رقمی که در مقایسه با آمار ۵۳۹ هزار و ۳۷۹ نفری پسران داوطلب حضور در دانشگاه‌ها تأمل‌برانگیز

علوم تجربی همچنان شاهد رقابت میان داوطلبان هستیم. اطلاعات آماری توزیع کارت ورود به جلسه این آزمون حاکی از آن بود که دختران باز هم بر تعدادترین داوطلبان این آزمون هستند و ۸۲۸ هزار و ۵۵۲ نفر از داوطلبان این ماراتن علمی را تشکیل می‌دهند. آمار پسران نیز ۵۳۹ هزار و ۳۷۹ نفر است.

در گروه آزمایشی علوم تجربی، دختران بیشترین سهم داوطلبان را از میان سایر گروه‌های آزمایشی دارند و تعدادشان به ۵۵۴ هزار و ۸۶۰ نفر می‌رسد. کنکور سراسری سال ۱۴۰۰ تعداد یک میلیون و ۱۱۱ هزار و ۸۱۸ داوطلب حقیقی دارد؛ با احتساب اینکه تعدادی از این داوطلبان در بیش از یک گروه آزمایشی امکان شرکت در آزمون دارند، تعداد یک میلیون و ۳۶۷ هزار و ۹۳۱ کارت ورود به جلسه صادر شده بود. جوان‌ترین داوطلب کنکور ۱۴۰۰ هم یک دختر است. سارا جمشیدی با ۱۳ سال سن از شهرستان بجنورد، جوان‌ترین داوطلب کنکور سراسری ۱۴۰۰ لقب گرفته است.

این داوطلب کنکور ۱۴۰۰ متولد ۱۱ مرداد ۱۳۸۷ است که در آزمون گروه آزمایشی علوم تجربی وارد عرصه رقابت با سایر داوطلبان شد. بر اساس این آمارها با یک حساب سرانگشتی و تناسب ساده می‌توان دریافت نسبت دختران کنکوری در کنکور ۱۴۰۰ به پسران ۶۰ به ۴۰ درصد است و این مسئله به عنوان پدیده‌ای اجتماعی نیازمند مطالعه و بررسی است و فرصت‌ها و تهدیدهایی با خود به همراه دارد.  
**رشد ۱۷ برابری دانش‌آموختگان زن در برابر رشد ۷ برابری مردان تحصیل کرده**  
سطوح آموزش زنان، معیاری برای سنجش توانمندی زنان است، زیرا

بوده‌اند دخترانه شدن تحصیلات دانشگاهی و کنکور حکایت دارد. این پدیده اجتماعی اما در کنار مزایا و فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدهایی را هم با خود به همراه خواهد داشت و یکی از آثار این تفاوت قابل تأمل آماری بین دختران و پسران داوطلب تحصیلات دانشگاهی، آمار بالای بیکاری در میان دختران تحصیل کرده است. در کنار اینها دختران تحصیل کرده برای ازدواج هم با چالش‌های بیشتری مواجه‌اند. نیم‌نگاهی به آمار داوطلبان کنکور و همچنین آمار پذیرفته‌شدگان در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد دختران تحصیل کرده برای پیدا کردن همسری که تحصیلاتش هم‌تراز با خودشان باشد به چالش دچار می‌شوند.

به میزانی که سطح دانش‌آموختگی زنان بالا می‌رود پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان نیز در سطح جامعه ارتقا می‌یابد. بررسی سطح سواد زنان نشان می‌دهد که در طول سال‌های ۵۵ تا ۸۵ مقطع تحصیلی زنان دانش‌آموخته دانشگاهی به میزان قابل توجهی افزایش یافته و آخرین آمار رسمی نشان می‌دهد که نزدیک به ۷۸ درصد از زنان دانش‌آموخته دانشگاهی دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند.

افزایش میزان دانش‌آموختگان در بین زنان بیش از مردان بوده به طوری که طی ۴۰ سال اخیر میزان دانش‌آموختگان زن بالغ بر ۱۷ برابر شده در حالی که میزان دانش‌آموختگان مرد تقریباً هفت برابر شده است. بنابراین فزونی دختران بر پسران در کنکور موضوعی است که از سال‌ها قبل آغاز شده است و پدیده تازه‌ای نیست. اما در عین حال هر سال درصد این فزونی افزایش می‌یابد و فاصله آمار شرکت‌کنندگان مرد و زن کنکور بیشتر می‌شود. این ماجرا تا جایی پیش رفت که در سال‌های گذشته بحث سهمیه‌بندی جنسیتی در کنکور مطرح کرد؛ اما اجرای پر سر و صدایی که موافقان و مخالفان خود را داشت. هر چند این مسئله هنوز هم برای برخی رشته‌ها وجود دارد و به تناسب نیاز و بازار کار و ماهیت رشته امتیازاتی برای پسران یا دختران در نظر گرفته می‌شود.

سال ۸۶ دکتر عبدالر سبوح پورعیاس، رئیس وقت سازمان سنجش آموزش در خصوص جنسیتی در نتایج کنکور تأیید کرد و در پاسخ به شبهه‌های مطرح پیرامون آن گفت: «توجه پذیرش جنسیتی که در کنکور سراسری اعمال می‌شود موجب پذیرش داوطلبان پسر یا دختر با تفاوت علمی بالا نخواهد شد و این نوع پذیرش به هیچ عنوان

تبعیض تلقی نمی‌شود.»

پورعیاس حداقل ورود هر جنس را ۳۰ درصد عنوان کرده و گفته بود: «حداقل ورود شامل ۳۰ درصد دختر و ۳۰ درصد پسر می‌شود و بقیه داوطلبان به صورت رقابتی پذیرش می‌شوند. این یعنی ۳۰ درصد دختران با دختران و ۳۰ درصد پسران با پسران رقابت می‌کنند.»

**بیکاری ۲۵/۳ درصدی زنان تحصیل کرده**  
تحصیلات عالی اغلب با هدف اشتغال و به‌دست آوردن موقعیت‌های شغلی بهتر و جایگاه اجتماعی بالاتر صورت می‌گیرد و صف داوطلبان زنی که برای ورود به دانشگاه با یکدیگر و با پسران رقابت می‌کنند بر همین اساس شکل گرفته است. اما نکته جالب‌تر انگیز ماجرا اینجاست که بسیاری از دختران تحصیل کرده بیکار می‌مانند و یا برای ورود به بازار کار ناگزیرند به مشاغل سطح پایینی که هیچ تناسبی با رشته تحصیلی‌شان ندارد، اکتفا کنند!

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، ۹۸۶ هزار نفر زن بیکار در کشور وجود دارد که ۶۵ درصد از آنها دارای تحصیلات عالی هستند. همچنین نرخ بیکاری زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی ۲۵/۳ درصد و این شاخص برای مردان، ۱۲/۴ درصد بوده است. در نهایت همین نرخ بالای بیکاری در بین زنان تحصیل کرده موجب شده تا زنان و دخترانی که تمایل به اشتغال دارند و یا به دلیل شرایط اقتصادی ناگزیرند کار کنند به مشاغل سطح پایین‌تر با حقوق و مزایای کم و خارج از قانون کار، راضی شوند. این ماجرا قصه ملموسی است که بسیاری از زنان و دختران جامعه با آن مواجه شده‌اند. با تمام اینها باز هم اقبال دختران و زنان به دانشگاه و شرکت در کنکور ادامه دارد!

## یادداشت



### دختران تحصیل کرده در کجای پازل بازار کار تعریف شده‌اند؟!

محمد مهدی نیک‌ضمیر

کنکور سراسری دانشگاه‌ها کم‌کم به رقابتی زنانه تبدیل می‌شود. آمار زنان و دختران داوطلب حضور در دانشگاه‌ها همه ساله در حال افزایش است و خروجی این ماجرا خیل دختران تحصیل کرده‌ای است که حالا انتظارات متفاوتی از شغل، زندگی و ازدواج دارند. با وجود این جامعه و شرایط کنونی کشور، بیست این انتظارات را برآورده کند و دختران و زنان تحصیل کرده خیلی وقت‌ها با خانه‌نشینی می‌شوند یا از مشاغل همچون دفاتر هواپیمایی یا شرکت‌های خصوصی سر درمی‌آورند و نهایت شغلی که انتظار آنها را می‌کشد منشی مدیرعامل است. کاری که خیلی وقت‌ها به تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد و در تخصصی‌ترین حالت دانستن کمی زبان انگلیسی و تسلط نسبی به نرم‌افزار آفیس و ورد و اکسل می‌تواند کار فرد را راه بیندازد. نکته مهم‌تر اینکه چنین مشاغلی از سوی یک فرد با تحصیلات دیپلم و نهایتاً گذراندن یک دوره آشنایی با نرم‌افزارهای آفیس قابل انجام است و نیاز به تخصص ویژه‌ای ندارد. اما اگر به سراغ منشی‌های شرکت‌های خصوصی یا کارکنان آژانس‌های هواپیمایی بروید متوجه خواهید شد اغلب زنان شاغل در این شغل‌ها لیسانس و یا حتی فوق‌لیسانس هستند و به دلیل پیدا نکردن شغل مناسب و متناسب با تحصیلات خود از چنین مشاغلی سر درآورده‌اند. از همه مهم‌تر اینکه بسیاری از این مشاغل بیمه ندارند و بر همین اساس حتی حداقل حقوق وزارت کار را به شاعلین خود نمی‌دهند. بگذریم از اینکه برخی از این مشاغل محیط کاری امن و سالمی هم نیستند و ممکن است زنان و دختران شاغل در این گونه شغل‌ها با چالش‌هایی دست و پنجه نرم کنند. هر چند توانمندی‌های فردی افراد تحصیل کرده در رشته‌های مختلف هم در استخدام و شاغل شدن آنها در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی مؤثر است و افراد دارای مهارت بیکار نمی‌مانند اما تجربه نشان داده آموزش عالی ما از تربیت نیروی انسانی متخصصی که بتواند با خروج از دانشگاه به صورت مستقیم در شغل مرتبط با رشته تحصیلی‌اش مشغول کار شود، عاجزند! این یک انتقاد جدی به نظام آموزش عالی است که سال‌هاست مطرح می‌شود و موضوع صدها مقاله و پژوهش بوده اما همچنان به قوت خود باقی است. با این اوصاف اشتیاق بیشتر دختران ما به ادامه تحصیل و حضور در دانشگاه به خودی خود می‌تواند در حوزه‌های اقتصاد و اشتغال رویداد مثبتی باشد اما این مسئله آنجایی چالش‌برانگیز می‌شود و به هز رفتن نیروی انسانی و سرمایه و بودجه کشور منتهی می‌شود که هیچ‌گونه هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خاصی برای فارغ‌التحصیلان و خروجی‌های دانشگاه‌ها صورت نگرفته است همچنان که ارتباط دانشگاه با صنعت و بازار کار در حد یک شعار باقی مانده و سال‌های سال است محقق نشده است. در چنین شرایطی وقتی با پدیده افزایش گرایش دختران به تحصیل در دانشگاه و اخذ مدارک تحصیلی بالا مواجه می‌شویم با یک دو توتو چهار تا از بازار کار و میزان شغل موجود و توانمندی دولت‌ها در ایجاد شغل‌های تازه تا چهار سال آینده به روشنی دست‌مان می‌آید که تا چهار سال دیگر چه تعداد فارغ‌التحصیل بیکار خواهیم داشت؛ افرادی که یا باید قید چهار سال هزینت و زحمت را بزنند و خانه‌نشین شوند یا به مشاغل کاذب و سطح پایینی رو بیاورند که عملاً بخشی از بازار کار افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی را هم در اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی قرار می‌دهد.

با این اوصاف به نظر می‌رسد سیستم آموزش عالی به جای آن که در خدمت تربیت نیروی متخصص برای چرخاندن چرخ‌های اقتصاد، صنعت، سیاست و فرهنگ در بیاید، به دستگاه درآمذایی تبدیل شده که برای درآمذایی بیشتر زیر بار حذف کنکور و یا نظام‌مند شدن و ارتباط با صنعت و بازار کار نمی‌رود! بر اساس آنچه در سطور بالا بیان شد گرایش بالای دختران جامعه ایرانی به حضور در دانشگاه و اخذ مدارک تحصیلی بالا در صورت فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم برای به کارگیری این نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده یک فرصت جدی باشد اما فقدان این زیرساخت‌ها و نبود برنامه برای بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص و بالنگیزه منجر به رشد بیکاری در زنان تحصیل کرده ما شده است. موضوعی که پس از فارغ‌التحصیلی و مدت‌ها دنبال کار گشتن غیرمرتبط با تحصیلات این دختران از یک سو و سال‌های طولانی عمرشان را بر باد داده و از سوی دیگر منجر به سرخوردگی آنان خواهد شد.

### رشد تحصیلات عالی در بین دختران

در صورت فراهم نبودن زمینه اشتغال موجب سرخوردگی می‌شود



بهبود کیفیت زندگی زنان بخش‌هایی از آثار و شاید فرصت‌های پیشسازای دختران در عرصه تحصیلات عالی است. کنکور سراسری و افزایش مشارکت در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از دیگر آثار این

پدیده است. البته این اتفاق زمانی خواهد بود که بازار کار برای بانوان دانشگاهی فراهم باشد در غیر این صورت منجر به سرخوردگی‌شان می‌شود. همچنین پدیده رشد آمار دختران تحصیل کرده و پیشی گرفتن آنان از پسران، افزایش انتظارات دختران از شریک زندگی آینده‌شان را به دنبال دارد که عدم تعادل تحصیلی بین آنها ممکن است منجر به بروز مشکلاتی شود.

نسرین نورشاهی  
رئیس مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم

اگر بخواهیم گرایش بیشتر دختران به تحصیلات عالی و ورود به دانشگاه‌ها را ریشه‌یابی کنیم باید گفت که این موضوع می‌تواند ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد.

پسران در این رابطه با سنجش هزینه فایده حاضر نیستند در هر رشته‌ای وارد شوند چون در آینده باید شغل داشته باشند و پاسخگوی مخارج زندگی باشند. از سوی دیگر معمولاً دختران در مقطع دبیرستان به نسبت پسران بیشتر درس می‌خوانند و توانمندی علمی بالاتری دارند. این موضوع سبب شده تا آنان از پسران در رقابت کنکور پیشی بگیرند. ضمن اینکه بیکاری دانش‌آموختگان در سال‌های اخیر سبب شده تا پسران تمایل چندانی برای ورود به دانشگاه نداشته باشند چون نیازمند شغل هستند و باید پاسخگوی هزینه‌های زندگی باشند.

اما این پدیده آثار و تبعات و فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای جامعه و برای خود دختران و پسران در پی خواهد داشت. افزایش انتظارات بانوان از زندگی آینده، زنانه شدن بازار کار و



بلکه می‌توانند در قالب یک دختر دانشجو به فرصت‌هایی جدید در حوزه فردی و اجتماعی دست یابند. بنابراین می‌توان گفت دانشگاه امروزه به محلی برای توانمند شدن زنان در ایران تبدیل شده و مفهوم دانشگاه در ذهن زن ایرانی با نگاه سیاستمدار یا اقتصاددان یا متولای

صنعت و بازار به دانشگاه متفاوت است. متولیان امر هم اگر به دنبال ایجاد توازن در یافت آموزش عالی هستند، اول باید کارکرد دانشگاه را برای زن ایرانی در یابند و مابه‌ازای آن را برایشان تعریف کنند؛ بدین ترتیب بخشی از توازن مدنظر برقرار می‌شود و بسیاری از تنش‌های حاصل از پذیرش جنسیتی، حذف زنان از برخی رشته‌ها و پذیرش بومی و مهاجرت زنان، عوارض خود را بر جامعه تحمیل نمی‌کنند.

دکتر سمیه فریدونی  
عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

### نظر کارشناس

### دختران دانشگاه را

ابزاری برای تحقق اهداف خود می‌بینند

بر اساس مطالعات، مهم‌ترین انگیزه دختران را از ورود به دانشگاه می‌توان این گونه بیان کرد که دانشگاه تنها انتخاب دختران است؛ بنابراین، بررسی سایر عوامل و انگیزه‌های دختران، حول این عامل اصلی قرار می‌گیرد که دختران جامعه ما به دانشگاه به‌عنوان تنها انتخاب خود نگاه می‌کنند و امکان تجربه فرصت‌ها و موقعیت‌های دیگری را برای خود متصور نیستند. از همین ابتدا دانشگاه به یک مفهوم جدید در جامعه ایرانی تبدیل می‌شود که دختران معنای جدیدی را برایش بازتعریف کرده‌اند و آن را ابزاری برای تحقق اهداف‌شان می‌دانند. در این نگاه دانشگاه این امکان را در اختیار دختران قرار می‌دهد که به دنبال موقعیت‌هایی جدید در دانشگاه و فرصت‌های شغلی جدید بکشوند. بنابراین در انتخاب دختران قرار می‌دهد که دختران به دانشگاه به‌عنوان تنها انتخاب خود نگاه می‌کنند و نقش ابزاری ظاهر می‌شود که دختران به کمک آن می‌توانند نخستین فضای ممکن برای حضور اجتماعی را تجربه کنند و در این فرآیند برای خود هویتی جدید بیافرینند. در نگاه آنها دانشگاه مرتبی اجتماعی به شمار می‌آید که پس از ورود به آن نه تنها جایگاه اجتماعی خود را در جامعه بهبود می‌بخشد،